

نقش عدالت در روابط فرد با دیگران

انسان حق ندارد به دیگران و نه حتی به خود ظلم و بی عدالتی روا دارد. از سوی دیگر، عدالت، هم در رفتار و هم در گفتار، یک شاخصه زیبا و زیباآفرین است.



انسان حق ندارد به دیگران و نه حتی به خود ظلم و بی عدالتی روا دارد. از سوی دیگر، عدالت، هم در رفتار و هم در گفتار، یک شاخصه زیبا و زیباآفرین است.

بسیاری از حالات اضطرابی، افسردگی و دیگر تظاهرات روانی فرد و جامعه، واکنشی ناشی از فقدان فهم با توجه به اصل عدالت است. اگرچه این اصل جنبه عقلانی دارد، نتایج آن در هر سه ساحت شناختی، عاطفی و رفتاری ظاهر می شود. ارزیابی در زندگی فردی، خانوادگی، شغلی، دوستانه و حتی فعالیت‌های سیاسی و حکمرانی را نیز در برمی گیرد؛ اعم از اینکه این ارزیابی از سوی فرد، دیگران، آیندگان یا حق تعالی انجام یابد. توجه به ارزیابی و ارزشیابی است که توجه به عدل را در روابط چهارگانه خدا، خود، دیگران و جهان ضروری می سازد.

خداوند به طور جدی به اقامه عدل فرمان می دهد (إن الله يأمر بالعدل والإحسان) و درباره هرگونه فردگرایی، نژادگرایی یا ضعیف گرایی هشدار میدهد و تأکید می کند که معیار در برخوردهای اجتماعی، به جای فقر و غنا یا خویش و خویشاوندی، تنها حق و عدالت است؛ یا *«ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی أنفسکم أو الوالدین والأقربین؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، همواره برپادارنده عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید، گرچه به ضرر خودتان یا والدین و بستگان باشد»*. این آیه، بر خارج شدن از عدالت به خاطر علاقه ها و وابستگی ها دلالت دارد؛ اما از آنجاکه عوامل انحراف از عدالت، بغض و کینه یا حب و دوستی است، در سخن دیگر به عامل انحرافی کینه ها و دشمنیها هشدار، و به عدالت اجتماعی، فراتر از یک ارزش اخلاقی فرمان میدهد. اینکه احساسات نیز باید تحت الشعاع عدالت باشد، و در سیاست گذاری ها و روابط داخلی و خارجی و حتی در برابر دشمنان عادل باشیم: *«ای کسانی که ایمان آورده اید، همواره برای خدا با تمام وجود قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی شما را به بی عدالتی وادار نکنید. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک تر است و از خداوند پروا کنید که همانا خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است»*.

بر این اساس، انسان حق ندارد به دیگران و نه حتی به خود ظلم و بی عدالتی روا دارد. از سوی دیگر، عدالت، هم در رفتار و هم در گفتار، یک شاخصه زیبا و زیباآفرین است. از این رو، در آیه ۱۵۲ سوره انعام، می خوانیم: *«إذا قلتم فاعدلوا، یعنی اگر حرف هم می خواهید بزنید، به عدالت سخن گوید. به عبارت دیگر، در گواهی ها، وصیتها، قضاوتها، صدور حکمها، انتقادهای و ستایشها، عدالت را مراعات کنیم»*.

بنابراین، دست کم اگر به قدر توان در زندگی و ارزیابی های شخصی و اجتماعی، معیار ارزشیابی را عدالت در نظر گیریم، زندگی نیکو و متوازن خواهد شد، و از *«بنده»* جز این انتظار نیست؛ چنان که خداوند کارهای خود را به نحو احسن انجام میدهد (أحسن الخالقین)، از ما هم خواسته کارهایمان به نحو احسن باشد (لیلوکم ایکم أحسن عملاً)، چه در تصرفات و فعالیت های اقتصادی (إلا بالتی هی أحسن)، چه در گفت و گو با مخالفان (جادلهم بالتی هی أحسن)، چه در پذیرش سخنان دیگران (یستمعون القول فیتبعون أحسنه)، و چه بدیهای مردم را با زیباترین شکل، پاسخ دادن (ادفع بالتی هی أحسن السیئة).

البته عدالت به معنای یکنواختی وضع مردم نیست، بلکه با وجود تفاوت ها، عدالت نیکو می نماید. امام علی (علیه السلام) بر این مسئله تأکید می کند که تا وقتی میان مردم تفاوت وجود دارد، در خیر هستند و اگر همه مساوی شوند، هلاک می گردند، چنان که مهم ترین چیزی که رسول خدا هنگام تقسیم اموال در نظر می گرفت، از بین بردن یا به حداقل رساندن اختلاف طبقاتی افراد در اموال و دارایی بود. در جنگ بنی نضیر، پس از پیروزی مسلمانان، هنگامی که حضرت خواست غنایم را تقسیم کند، آن را تنها میان مهاجران تقسیم کرد و به کسی از انصار چیزی نداد، مگر به دو نفر به نامهای سهل بن حنیف و ابودجانه که آن هم به دلیل فقر و ناداری شان بود.

از دیدگاه آن حضرت، بین سیاه و سفید فرقی وجود ندارد، و آدمیان جز به علم و تقوا بر دیگری فضیلت و برتری ندارند. رسول خدا حقوق هر فرد را به قدر استحقاقش به او می داد؛ چه فقیر بود یا متمول یا گمنام. از نظر پیامبر اعظم، اساس جامعه بر عدل و داد استوار است و همه افراد باید به عدالت توجه کنند. زن و شوهر در خصوص یکدیگر، والدین در برابر

فرزندان، کارفرما درباره کارگر، و ثروتمندان در مورد نیازمندان باید عدالت داشته باشند.

عدالت گرایی، افزون بر اینکه باعث تزیین فرد به یکی از فضیلت های اخلاقی می شود، تأثیر فراوانی بر دیگران و روابط اجتماعی افراد با هم دارد. می توان از نگره های گوناگون به موضوع نگرینست و بر نقش این گوهر تأکید کرد. در اینجا به سبب محدودیت نگارش، با نگره روان شناسی اجتماعی بحث را به پایان می بریم:

عدالت ورزی در یک گروه، بهترین وسیله برای بقای آن و مایه نشاط و پویایی گروه است. رعایت انصاف که بعدی از عدالت ورزی است، به قوت بخشیدن به روابط اعضا و استمرار آن گروه کمک می کند. در مقابل، فراهم کردن موجبات احساس بی عدالتی در افراد، به سستی و کوتاهی عمر گروه، و در نهایت فروپاشی آن می انجامد.

مهم ترین تأثیر عدالت و انصاف بر رضامندی اعضای گروه است که به افزایش کارایی و بهبود کیفی فعالیت آن کمک می کند. صمیمیت بیشتر در روابط عاطفی و علاقه مندی به گروه و رهبری، از آثار رعایت انصاف در گروه است. افزون بر این، رعایت عدل و احساس برپایی آن، به انسجام اعضای گروه و همراهی آنها با رهبر گروه کمک می کند. در مقابل، بی عدالتی با اعضا و بروز این احساس، موجب ناکامی آنان می شود و به دنبال آن، رفتارهایی از قبیل پرخاشگری به شکل های گوناگون بروز می کند، به گونه ای که با شدت عمل بیشتری به مقابله با رهبر و گروه می پردازند.

منبع: اسلام و زیبایی های زندگی: رویکردی تحلیلی و تربیتی به سبک زندگی، دکتر داود رجبی نیا، صص 439-434، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمة الله علیه، قم، چاپ اول، 1391

راسخون